

مطالعه تطبیقه نقوش و طرح های انتزاعی در هنر اسلامی با هنر مینیمالیسم

چکیده

تغییرات گسترده‌ای در جهان، پس از جنگ جهانی دوم، در زمینه‌های فلسفی، هنری و سیاسی و اجتماعی رخ داد و تمامی اصول مدرنیسم را به چالش کشید. در این میان هنر مینیمال با رویکردی انتزاعی و مفاهیمی جدید از درون نقاشی اکسپرسیونیسم انتزاعی و پاپ آرت سر برآورد. در مقابل هنر اسلامی یا هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق می‌شود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. هنرمندان اسلامی خلاقیتشان را در جهت زنده کردن باورهای درونی خویش و ایجاد مجموعه‌ای از تجسمات و آثار هنری منحصر به فرد سوق دادند. عدم پذیرش توصیف تصاویر موجودات زنده در دین اسلام باعث شد تا هنرمندان اسلامی به تدریج روش جدیدی را تعریف کنند و به این ترتیب از هنر رومی‌ها و بیزناسی‌های زمان خودشان فاصله بگیرند.

در این تحقیق به مقایسه و بررسی آثار هنرمندان مینیمال و آثار هنرهای اسلامی که در سادگی و تکرار شدن نقوش فصل مشترک دارند، پرداخته می‌شود. بررسی تاثیرات هنر انتزاعی اسلامی که قدمتی طولانی دارد با یک گرایش هنری معاصر مواردی را روشن می‌کند که برای شناخت هر چه بیشتر هنر دوران مدرن و پست مدرن بسیار راهگشا است.

روش تحقیق این پژوهش تاریخی، توصیفی و تطبیقی است که اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به دست آمده است. این مطالعه نشان می‌دهد که هنرمندان معاصر با الهام از دوره‌های تاریخی بسیار دور و همچنین نگاهی به دوران حاضر، به خلق آثار خود مشغول شده‌اند.

اهداف مقاله

- ۱- مقایسه تطبیقی کاربرد انتزاع و سادگی در هنر اسلامی و مینیمال.
- ۲- بررسی هدف نهایی هنرمندان در بیان انتزاعی طرح‌ها و نقوش.

سؤالات مقاله

- ۱- چگونه هنرمندان در هنر مینیمال و هنر اسلامی از انتزاع بهره گرفته‌اند؟
- ۲- آیا دیدگاه فلسفی در کاربرد انتزاع در هنر اسلامی و مینیمال وجود داشته است؟

واژگان کلیدی

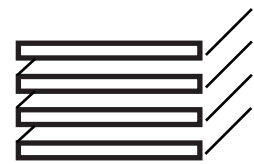
هنر مینیمال، هنر اسلامی، انتزاع، نقوش و طرح‌های انتزاعی.

سید محمد مهدی بوذری /
کارشناسی ارشد ارتباط تصویری /
دانشگاه تربیت مدرس
محمد خزایی / استاد تمام
دانشگاه تربیت مدرس
(نویسنده: مسئول مکاتبات)
مدیر گروه مبانی هنر اسلامی
مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره
www.niar.org.ir
mohamad.khazaei@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۶/۱۵

صفحات مقاله: ۶۱-۷۰



مقدمه

مینیمالیسم یا کمینه گرایی، مکتب هنری است که اساس آثار خود را بر پایه سادگی بیان، روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی معمول فلسفی و یا شبه فلسفی بنیان گذاشته است. مینیمالیسم پس از جنگ جهانی دوم، در هنر غرب به وجود آمد و بیشتر از سوی هنرمندان هنرهای تجسمی آمریکا در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی مورد استقبال قرار گرفت و گسترش پیدا کرد.

مینیمالیسم در شکل‌های مختلفی از طراحی و هنر، به ویژه در هنرهای تجسمی و موسیقی استفاده می‌شود. این هنرمندان معتقدند با حذف حضور فریبنده ترکیب‌بندی و استفاده از موارد ساده و اغلب صنعتی که به شکلی هندسی و بسیار ساده شده قرار گرفته باشند، می‌توان به کیفیت ناب رنگ، فرم، فضا و ماده دست یافت. از هنرمندان این سبک می‌توان به دیوید اسمیت، دونالد جاد، ارنست تروا، سول لویت، کارل آندره، دن فلاوین، رابرت رایمن، رونالد بلادن و ریچارد سرا اشاره کرد. (علوی، ۱۳۸۹: ۱۰)

آثار هنر مندان مینیمالیست گاه کاملاً تصادفی پدید می‌آید و گاه زاده شکل‌های هندسی ساده و مکرر بود. مینیمالیسم نمونه‌ای از ایجاز و سادگی را در خود دارد و بیانگر سخن رابرت براونینگ است (Less is More) یعنی کمتر غنی‌تر است. هنر کمینه یا مینیمال آرت به خصوص در ارتباط با آثار سه بعدی و از ایالات متحده شروع شد. پژوهش‌های پیروان این جنبش شامل انواع ساختارهای مدولی، فضایی، شبکه‌ای و جفت‌کاری بود، که هدفش توضیح مجدد مسائلی چون فضا، فرم، مقیاس و محدوده بود و در نتیجه هرگونه بیان‌گری و توهم بصری را نفی می‌کرد. آنها روشی خردگرایانه را در ترکیب‌بندی به کار می‌بردند که شامل مجموعه‌های منظم ساده‌ای از واحدهای همانند و جابه‌جا شونده بر اساس ریاضی با قابلیت بسط و توسعه می‌شد. (کهنون، ۱۳۸۱: ۱۵۱)

اما در مقابل هنر اسلامی بُعدی اخلاقی و عرفانی داشته است و به متون و ادبیاتی مافوق عالم ماده توجه داشته است و همین سیر و گام برداشتن در این عالم وسیع سبب حرکت در فضای انتزاعی و نامحدود برای هنرمند اسلامی گشته است. هنرمند اسلامی با توجه به متون و اندیشه‌های اسلامی خویش و بر اساس اصولی همچون وحدت، به تفکر در ورای عالم خاکی پرداخته است و تمام تلاش خود را در جهت خلق فضا و عالمی ماوراء خیال و روحانی بسته است. (ایروین، ۱۳۸۹: ۴۵)

مینیمالیسم

حرکت به سوی هنر مدرن در اوایل سده بیستم/دوازدهم و با وسعت گرفتن دامنه اختراعات و حرکت با شتاب بشر به سوی تحولات و تغییرات اجتماعی صورت گرفت و هنرمند این دوره درمی‌یابد که هنر را آنگونه بیافریند که خود پذیرای آن می‌باشد نه دیگران و این اصلی‌ترین زمینه حرکت هنر از بیان وحدت بسوی فردیت می‌باشد و هنر صرفاً وسیله‌ای در جهت لذت بردن شخص هنرمند از اثرش می‌گردد. (پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

هنر مدرن و تکامل آنرا می‌توان تا حدودی با گذار ادبیات و شعر پارسی مقایسه نمود همانطور که نیما یوشیج پدر شعر نوین با برهم زدن نظام قافیه‌بندی و به منظور انتقال برخی از مفاهیم که تا کنون بدلیل محصور بودن در قالب شعر عروضی مهجور مانده بود و دچار

وحدت» بهتر از سلسله طرح‌های هندسی در یک دایره یا کثیر السطوح‌ها در یک کره نیست. درون‌گرایی، نظم، آراستگی و تناسب، همچنین حضور پررنگ هندسه از شاخصه‌های هنر اسلامی است و تمام تلاش هنرمند مسلمان این است که به مخاطب خود پیام‌زود که چگونه عالم را در اثر هنری بنگرد. علم هندسه که در نقوش اسلامی کاربرد فراوان دارد نه تنها نظمی شگفت‌انگیز را به تجلی می‌گذارد بلکه زیبایی دنیا را نیز آشکار می‌سازد. همچنین با استناد به قرآن، آفرینش انسان زیبا و در کمال اعتدال است چرا که بُعدها و تناسبات هندسی آن، اصلی‌ترین مبنای خلق آثار هنر و معماری در تاریخ هنر بوده است. (البهنسی، ۱۳۸۷: ۸۸)

عنصر دوم هنر اسلامی شامل الگوها و اشکال هندسی است. هنرمندان مسلمان به دو دلیل هنر هندسی را استفاده و گسترش دادند: دلیل اول این بود که جایگزینی را برای تصاویر ممنوع موجودات زنده فراهم می‌آورد. اشکال هندسی انتزاعی بویژه در مساجد مورد استفاده قرار گرفت. زیرا آنها را به تفکر روحانی تشویق می‌کرد، برخلاف تصاویر موجودات زنده که توجه را بیشتر به تمایلات موجودات سوق می‌داد تا خواست خداوند. بنابراین هندسه اساس هنر مسلمانان شد و به هنرمندان اجازه می‌داد که تخیل و خلاقیتشان را آزادانه به کار گیرند. بنابراین فرم جدیدی از هنر به وجود آمد که بر اساس اشکال و تصاویر ریاضی مانند دایره، مربع و مثلث شکل گرفت.

دلیل دوم برای توسعه و گسترش هنر هندسی پیشرفت و جایگاه علم هندسه در دنیای اسلام بود. کشفیات اخیر در مورد طومارهای موزه توپ قاپی که به سده پانزدهم/هفتم برمی‌گردد، نشانگر استفاده سیستماتیک اشکال هندسی توسط هنرمندان و معماران اسلامی است. آن‌ها نشان دادند که صنعت کاران مبتدی مسلمان، قوانین نظری بسیاری برای استفاده از اشکال هندسی در زیباشناسی ابداع کردند و ادعاهای بسیاری از شرق شناسان را مبنی بر اینکه پیشرفت هنر هندسی مسلمانان تصادفی بوده، رد کردند. هنر هندسی اسلامی بیشتر مربوط به مفهوم و هنر آرایسک است که اینگونه تعریف می‌شود: "آثار هنری تزیینی‌ای که برای سطوح صاف مناسب‌اند و شامل طرح‌های هندسی متقاطع چند ضلعی، مدور و خطوط در هم پیچیده و منحنی" می‌باشند. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۱۰۴)

جای بسیار تعمق دارد هنگامی که هنرمندانی چون ماتیس پس از بازدید از نمایشگاه آثار هنری اسلامی در سال ۱۲۸۹/۱۹۱۰ چنان تحت تاثیر قرار می‌گیرد که خطاب به گرتور اشتاین دیگر هنرمند هم‌فکر و هم‌دوره خویش می‌نویسد "شرق ما را نجات داد." ماتیس بنیانگذار نهضت فوویسم و تا پایان عمر تحت تاثیر هنر ایرانی - اسلامی دست به خلق آثار بسیاری می‌زند که غالباً تمامی آنها آثاری نو و انتزاعی می‌باشند و با این وجود باید بدون در نظر داشتن و جانب‌داری خاص پذیرفت که آثاری که ریشه در باورها، اعتقادات و مفاهیم مردمان هر دوره‌ای داشته است نه تنها در آن عصر بلکه در سده‌های آینده نیز آثاری ماندگار و تأثیر گذار بوده است. پس چه صحیح است که علاوه بر در نظر داشتن اصل انتزاع که لازمه این عصر و برهه زمانی می‌باشد، مفاهیمی چون فرهنگ، وحدت، عرفان و اصل زیبایی شناختی نیز مورد توجه قرار گیرد. (اتینگهاوزن، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

تطبیق نقوش و طرح‌های انتزاعی هنر اسلامی و مینیمالیسم

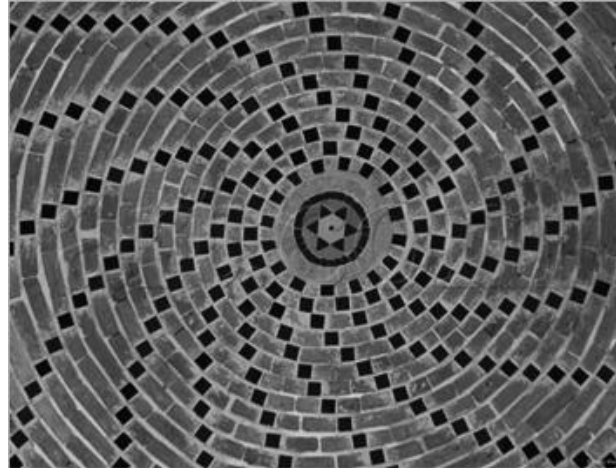
با کنار هم قرار دادن آثار مینیمال و هنر اسلامی، به مشترکات و تفاوت‌هایی می‌رسیم که



تصویر ۱: کاربرد خط کوفی در تزیین حاشیه بشقاب سفالی، (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۶۵).



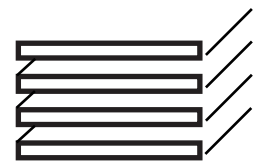
تصویر ۱۲: فرم‌های پیچشی و دوار نا منظم،
 حرکت مارپیچی بدون مقصد نهایی.
 (Arco Team, 2003: 62)



تصویر ۱۱: کثرت و وحدت در پوسته گنبد
 برای معنوی تر کردن فضای مسجد با
 استفاده از مصالح.
 (ایروین، ۱۳۸۹: ۹۱)

نتیجه گیری

جنبش مینیمالیسم با تاکید بر شیء گونگی هنر و استفاده از دستاوردهای نوین صنعتی و انتقال تولید سریالی به درون هنر و همچنین ترکیب شیوه‌های گوناگون بیان هنری، موجب از بین رفتن اصالت در هنر شد. مینیمالیسم نقش بسزایی در عبور هنر از مدرنیسم به پست مدرنیسم ایفا کرد و با پرهیز از بیان درونی هنرمند با مفاهیمی همچون هنر برای هنر، والایی در هنر و تاکید بر رسانه خاص، که پایه هنر مدرنیستی را تشکیل می‌داد، به مبارزه برخاست و مبنای تازه‌ای را بنیان گذاشت. اما در برابر این جنبش، هنر اسلامی با گرایش‌های الوهی و خداپرستانه، نقوش اسلیمی را به عنوان نمادی از طبیعت بی‌کران که همان مخلوق خداست به کار می‌برد، یا نقوش هندسی و گیاهی را برای وحدانیت پروردگار در آثار خود استفاده می‌کرد. در این تحقیق چندین نمونه از آثار هنری هر دو گرایش مورد مطالعه قرار گرفت و هویت انتزاعی در هنر اسلامی و هنر مینیمال مقابل هم قرار گرفتند. اگرچه انتزاع و ساده‌گرایی در هر دو گرایش استفاده شده است ولی نتیجه‌گیری بدست آمده نشان می‌دهد که هنرمندان مینیمال بدون توجه به ماهیت اثر و هدف خلق آن، از انتزاع استفاده می‌کردند و کمتر به دنبال معنا بودند؛ آن‌ها بیشتر فلسفه هنر برای هنر را دنبال می‌کردند. اما هنر اسلامی تمامی سعی خود را بر این دارد تا مفاهیم دینی و الوهی را در قالب شکل‌ها و نقوش هندسی به مخاطب انتقال دهد. در واقع هنرمند اسلامی خود را در اثر نمی‌بیند و به مسائل دینی و به خصوص پروردگار جهانیان توجه دارد و هنر را در خدمت دین گرفته است.



منابع

کتاب های فارسی:

- ۱-تینگهاوزن، ریچارد (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران: سمت.
- ۲-ایروین، رابرت (۱۳۸۹)، هنر اسلامی، ترجمه رویا آزادفر، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۳-بکولا، ساندرو (۱۳۸۷)، هنر مدرنیسم، ترجمه رویین پاکباز، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۴-البهنسی، محمود (۱۳۸۷)، هنر اسلامی، ترجمه محمود پورآقاسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۵-رایس، دیوید تالبوت (۱۳۷۵)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶-سمیع آذر، علیرضا (۱۳۹۱) انقلاب مفهومی، تهران: چاپ و نشر نظر.
- ۷-شایسته فر، مهناز (۱۳۸۶)، دیباچه‌ای بر هنر اسلامی، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ۸-لوسی اسمیت، ادوارد (۱۳۸۲)، مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، ترجمه علیرضا سمیع آذر، تهران: نشر نظر.
- ۹-مارزونا، دانیل (۱۳۸۹)، هنر و مینیمالیسم، ترجمه پرویز علوی، تهران: نشر پشتون.

کتاب های لاتین:

- 10-Arco Team (2003), *Minimalism Minimalist*. Madrid: Atrium group.
- 11-Battcock,G (1995), *Minimal Art: A Critical Anthology*. London: University of California Press.
- 12-Fishel,C (1999), *Minimal Graphics*. New York: Rockport Publishers, Inc.
- 13-Hopkins,D (2000), *After Modern Art*. New York: Oxford University Press.
- 14-Marzona,D (2004), *Minimal Art*, Koln: Taschen.
- 15-Meyer,J (2000), *Minimalism*. New York: Phaidon Press.
- 16-Schonlau,J (2011), *Minimalist Graphics*. New York: Harper Design.

مقالات:

- ۱۷-حریریان، نرگس (۱۳۸۹)، نقش محوری مینیمالیسم در پایان دوران مدرن، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۱، صص ۹۴-۸۳.
- ۱۸-گیرینبرگ، کلمنت (۱۳۸۵)، گزیده‌هایی در باب هنر مینیمال، حرفه هنرمند، ترجمه امیر احمدی، شماره ۱۷، صص ۱۳۹-۱۳۰.